

موعود می‌باشند، به طور مستمر مقالاتی را برای خوانندگان گرامی قلمی کرده‌اند که در مجله به چاپ رسیده است.

کتاب نادر «شش ماه پایانی» که توسط نشر موعود عرضه گردیده ترجمه اثر: «الفجر المقدس و إرهابات اليوم الموعود» است که تقویم حوادث شش ماه پایانی غیبت و معاصر ظهور امام مهدی (ع) در آن به تصویر درآمده است و می‌توان آن را به لحاظ صورت و استناد، در زمره آثار بی‌نظیر یا کم‌نظیر در جهان اسلام به شمار آورد. چندی پیش، پس از پیگیری‌های فراوانی که هم‌زمان با انتشار ویژه‌نامه عربستان از مجموعه سرزمین‌های درگیر آغاز شد، موفق شدیم در خصوص نقش سرزمین حجاز، مقارن واقعه شریف ظهور با ایشان گفت‌وگویی صورت دهیم که متن آن در زیر می‌آید.

- حجاز و شبه جزیره عربستان چه جایگاهی در حوادث آخرالزمان و دوران ظهور امام مهدی (ع) دارد؟
- اهمیت جایگاه حجاز در این حوادث، به دلیل وجود اماکن مقدس اسلامی زیادی است که در این منطقه به چشم می‌خورد و از اینجاست که متوجه می‌شویم چرا آن منطقه به عنوان نقطه شروع نهضت امام مهدی (ع) و آغاز ظهور از مکه مکرمه انتخاب شده است. ایشان پس از آن به سوی مدینه منوره رهسپار می‌شوند و این به دو دلیل است:
- الف) رساندن این پیام به تمام ملت‌های جهان؛ که امام

نقش حجاز در

عصر ظهور

گفت‌وگو با استاد مجتبی الساده

مترجم: سید شاهپور حسینی

اشاره:

جناب استاد مجتبی الساده، از عالمان محقق و نویسنده جهان اسلام و مقیم عربستان سعودی است که تاکنون کتب و مقالات ارزشمندی از ایشان حول موضوع مهدویت، نشانه‌های ظهور و مسائل مرتبط با آن به زیور طبع آراسته شده است. ایشان که عضو شورای علمی افتخاری ماهنامه

نمی‌کنند و این مسئله تا زمان [ظهور] مراد شما، ان‌شاءالله، پایان نمی‌پذیرد. پادشاهی سال‌ها می‌رود و [زمان پادشاهی] پادشاه ماه‌ها و روزها فرا می‌رسد. ابوبصیر گفت: عرض کردم: آیا این دوران به درازا می‌انجامد؟ امام فرمود، نه هرگز».

اختلافات پس از مرگ «حاکم عبدالله» تبدیل به درگیری‌های داخلی برای به دست آوردن قدرت و حکومت می‌شود و جنگ‌های داخلی میان فرزندان خانواده حاکم در می‌گیرد و آن گونه که در این روایت آمده: «از جمله نشانه‌های خروج، رویدادی است که میان حرمین روی می‌دهد». عرض کردم آن رویداد چیست؟ فرمود: «یک نابودی که میان حرمین خواهد بود و فلانی از فرزندان فلانی، پانزده رهبر و بزرگ را می‌کشد» یعنی میان حکومت حجاز ضعیف می‌شود و آن فراغ سیاسی و وضعیت امنیتی نابسامان پیش می‌آید.

با نبود قدرت و سلطه سیاسی و ضعف آن و مشغول شدن مقام‌ها و سردمداران به درگیری و جنگ برای به چنگ آوردن قدرت و مقام، گروه‌های ناصبی دشمن اهل بیت (ع) فعال می‌شوند و از اینجاست که مفهوم روایاتی که در مورد پریشانی و نابسامانی که در میان حجاج در منا، طی مراسم حج آن سال پیش می‌آید را می‌فهمیم تا آنجا که جمره عقبه به خون آغشته می‌شود. و آن به دلیل ادامه اختلاف حجازی‌ها برای به دست آوردن قدرت و مقام است.

علاوه بر جو امنیتی حاکم که دشمن شیعه است، بسیاری از شیعیان به زندان افکنده می‌شوند. این حوادث در بیست و پنجم ماه ذی الحجه با قتل فرستاده امام (ع) که همان «نفس زکیه» است، در حرم مکه میان رکن و مقام پایان می‌یابد.

مسئله بسیار مهم در حجاز در آن دوران (یعنی پیش از ظهور) این است که دیده‌های مسلمانان به سوی امام مهدی (ع) است و منتظر ظهور ایشان هستند. در آن زمان این خبر میان مردم منتشر می‌شود که ایشان در مدینه منوره سکونت دارند و آغاز حرکتشان از مکه مکرمه خواهد بود. در این مدت، امام به ارتباط برقرار کردن با یارانش در مدینه منوره و سپس مکه مکرمه می‌پردازد و نقش رهبری خود را تقریباً به طور کامل ایفا می‌کند و در آن شرایط بسیار حساس، بیانات خود را به

دیدگاهی دینی و اهدافی اسلامی دارد و اسلام، (برترین) ایدئولوژی و قانون است و می‌خواهد این پیام را به مردم جهان برساند که او پیرو و تجدیدکننده دین جدش محمد رسول الله (ص) است. همچنین هنگام ظهور مقدسشان، ویژگی‌های مکتب اندیشه‌ای ایشان روشن می‌شود و شعار «یا لثارات الحسین» ایشان، همه جا را فرا می‌گیرد.

ظهور از قلب جهان اسلام و از قبله مسلمانان آغاز می‌شود تا امام فرصت این را داشته باشد که پیام و رسالت و اهداف خود را به روشنی برای تمام مردم جهان، از همان آغاز حرکت خود بیان کند.

ب) استفاده از جایگاه والای کعبه نزد مسلمانان؛ هنگامی که آغاز حرکتی از مقدس‌ترین و پاک‌ترین نقطه جهان باشد، حرکت و جنبش و قیام ایشان مورد توجه و پیگیری پیاپی و خاص تمام مسلمانان قرار می‌گیرد زیرا مکه (قبله) جایگاه خاصی در میان مسلمانان جهان دارد. اینجاست که حدائق، مسلمانان سخنان و بیانات و خطبه‌های ایشان را می‌شنوند و در آن زمان، صدای امام و طرح‌ها و برنامه‌های ایشان به گوش تمام مسلمانان جهان می‌رسد.

با توجه به این موارد به این نتیجه می‌رسیم که این رهبر جهانی، بسیار نبوغ دارد و استراتژی قیام و حرکت ایشان هم موفقیت‌آمیز خواهد بود. حال اگر نقطه حرکت و قیام ایشان از شهر اسلامی دیگری بود یا از یک پایتخت سیاسی یک کشور، امام (ع) فرصت پیگیری دستگاه‌های اطلاع‌رسانی و سیاسی و مردمی از قیام خود را از دست می‌داد، به ویژه در روزهای آغازین ظهور، که هنوز قدرت ایشان به قوام نرسیده است و نیروها هنوز آن گونه که باید، سازماندهی نشده‌اند.

● **لطفاً به صورت مختصر در مورد اوضاع سیاسی منطقه حجاز پیش از ظهور توضیح دهید؟ جو عمومی حاکم نسبت به امام چگونه خواهد بود و چه برخوردی با امام خواهد داشت؟**

○ تسلسل حوادثی که مقدمه ظهور در حجاز است، با آماده‌سازی شرایط و جو مناسب برای موفق ساختن جنبش امام خواهد بود. و از اینجا، مفهوم روایات شریفه‌ای که در مورد فراغ سیاسی و ضعف نظامی و امنیتی در منطقه حجاز پیش از ظهور سخن می‌گویند را در می‌یابیم. حوادث، در حجاز با مرگ حاکم «عبدالله» آغاز می‌شود. او آن گونه که در روایت ابوبصیر آمده، آخرین پادشاه حجاز خواهد بود. در روایت ابوبصیر آمده است: هر کس برای من مرگ عبدالله را تضمین کند، من (ظهور) قائم را برای او تضمین می‌کنم. «خاندان فلان» در مورد تعیین خلیفه بعدی دچار اختلاف نظر می‌شوند و اختلافات آنها تا زمان ظهور امام (ع) ادامه می‌یابد. در روایت ابوبصیر در این مورد آمده است: «اما هنگامی که عبدالله بمیرد، مردم پس از او [برای خلیفه کردن شخصی] اتفاق نظر پیدا

اهمیت جایگاه حجاز در این حوادث، به دلیل وجود اماکن مقدس اسلامی زیادی است که در این منطقه به چشم می‌خورد و از اینجاست که متوجه می‌شویم چرا آن منطقه به عنوان نقطه شروع نهضت امام مهدی (ع) و آغاز ظهور از مکه مکرمه انتخاب شده است. امام (ع) پس از آن به سوی مدینه منوره رهسپار می‌شوند



اختلافات پس از مرگ «حاکم عبدالله» تبدیل به درگیری‌های داخلی برای به دست آوردن قدرت و حکومت می‌شود و جنگ‌های داخلی میان فرزندان خانواده حاکم در می‌گیرد و آن‌گونه که در این روایت آمده: «از جمله نشانه‌های خروج، رویدادی است که میان حرمین روی می‌دهد».



می‌شود و میان رکن و مقام می‌ایستد و به مردم حاضر در حرم مکه به صورت شفاهی، پیام امام(ع) را ابلاغ می‌کند. بقایای نیروهای نظام حاکم در حجاز دست به انجام یک جنایت می‌زند که دست کمی از جنایت قبلی ندارد. آنها فرستاده امام را فوراً در رکن و مقام در مسجد الحرام، در روزی حرام به قتل می‌رسانند. با توجه به این حوادث در می‌یابیم که اهل حجاز در آن زمان خواهان ظهور امام نیستند و این مسئله از آن رهبر بزرگ پوشیده نیست. به همین دلیل است که ایشان با صراحت، در روایتی که از امام باقر(ع) نقل شده می‌فرماید: «ای مردم، اهل مکه مرا نمی‌خواهند، اما من به سوی آنها فرستاده شده‌ام تا بر آنها اتمام حجت کنم، آن‌گونه که اشخاص همچون من شایسته است اتمام حجت کنند».

● یکی از نشانه‌های ظهور، وقوع برخی حوادث سیاسی است که در جهان اسلام روی می‌دهد و بر منطقه حجاز نیز تأثیر می‌گذارد. لطفاً اشاره‌ای به مهم‌ترین حوادث این زمان داشته باشید، آیا موردی از این نشانه‌ها روی داده و نشانه‌ای از آن وجود دارد یا نه؟

○ به طور کلی، امت اسلامی پیش از ظهور در شرایط ضعف سیاسی شدید به دلیل جنگ‌ها و فتنه‌ها و جنگ‌های داخلی و نیز دخالت نیروهای خارجی (رومی‌ها) به سر خواهد برد. در نتیجه، یک مجموعه جریان‌های سیاسی رقیب و درگیر با هم سربرمی‌آورند، مانند:

۱. خروج سفیانی از شام (حتمی)؛ او یکی از مهم‌ترین دشمنان امام است که از جانب غرب حمایت می‌شود.
۲. خروج یمانی از یمن (حتمی)؛ او از تأییدکنندگان و یاری دهندگان امام(ع) است.
۳. خروج خراسانی از ایران؛ او از تأییدکنندگان و یاری دهندگان امام(ع) است.

این سه قدرت، مرکز ثقل سیاسی و نظامی منطقه در آن زمان خواهند بود و با تحولات و درگیری‌ها و هم‌پیمان‌های خود، جو و شرایط کلی سیاسی منطقه، کمی پیش از ظهور را به وجود می‌آورند.

در زمان کنونی، هنگامی که حوادث منطقه خاورمیانه را بررسی می‌کنیم و اوضاع سیاسی و نظامی آن را مورد مطالعه قرار می‌دهیم، درمی‌یابیم که نشانه‌های ظهور، کم‌کم شروع به روی دادن کرده‌اند و نشانه‌های آغازین پیدایش هسته نیروهای سیاسی مورد نظر در آن مدت، قابل مشاهده است. ما همچنین، نشانه‌های جریان‌های رقیب را که با حوادث ظهور و نشانه‌های آن در ارتباط هستند حس می‌کنیم. از جمله آن نشانه‌ها: جریان اول: یاران امام، که یمانی و خراسانی هستند. بسیاری از مؤمنان بر این باورند که حوادث کنونی یمن و جنگ با حوثی‌ها، نشانه‌های آغازین خروج یمانی است. همچنین دخالت حکومت عربستان در این جنگ و حمایت معنوی ایران از حوثی‌ها، آغاز ایجاد و فراهم آوردن جو مناسب

پیروان و یارانش می‌رسانند و به صورت مستقیم با یارانش در مناطق مختلف اسلامی (پس از ندای آسمانی و خروج سفیانی) ارتباط برقرار می‌کند. و آن پایان غیبت کبرا و آغاز «ظهور اصغر» است.

● ساکنان مکه و مدینه چه موضع‌گیری و عکس‌العملی نسبت به ظهور و نهضت ایشان خواهند داشت؟

○ به دلیل وجود فراغ سیاسی و درگیری‌های داخلی برای به چنگ آوردن قدرت در منطقه حجاز در زمان پیش از ظهور، نیروهای مخالف و دشمن اهل بیت(ع) به دلیل نبود یک رقیب قدرتمند برای خود در منطقه، فعال می‌شوند. آنها با کمک بقایای نیروهای نظام حاکم دست به تحرکاتی می‌زنند. این تحرکات و کارهای آنها، بیانگر میزان دشمنی و کینه و نفرت آنها از امام و پیروانش است. از جمله آن اعمال و کارها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. پس از ندای آسمانی در رمضان و خروج سفیانی در رجب، چند ماه پیش از ظهور، مؤمنان گروه‌گروه به سمت مکه رهسپار می‌شوند تا امام را یاری کنند. دشمنان نسبت به مؤمنان و یاران امام مشکوک می‌شوند و قصد نابودی آنها را می‌کنند و به توطئه‌چینی ضد آنها می‌پردازند. همچنین، روایت ابوبصیر به نقل از امام صادق(ع) حاکی از آن است که در آن زمان بسیاری از مؤمنان دستگیر شده و به زندان افکنده می‌شوند.

۲. بقایای نظام حاکم و گروه‌های تکفیری، جنایات سختی در مدینه منوره مرتکب می‌شوند. آنها یک جوان هاشمی را با خواهرش (محمد و خواهرش فاطمه) را به قتل می‌رسانند و آن دو را بر در مسجدالنبی(ص) می‌آویزند و همه اینها برای نشان دادن کینه و دشمنی‌شان نسبت به پیروان و یاوران امام منتظر(ع) است. ۳. در بیست و پنجم ماه ذی الحجه پیش از ظهور، در پانزده روز، امام یک مرد هاشمی را به نمایندگی از خود به مکه مکرمه می‌فرستد تا به آزمایش و نبض‌گیری شرایط آنجا و آماده‌سازی شرایط انقلاب مبارک بپردازد. فرستاده امام (محمد بن الحسن نفس زکیه) وارد حرم مکه

آنها منبر پیامبر(ص) را می‌شکنند و قبر شریف ایشان را ویران می‌کنند. سپس این سپاه از مدینه خارج می‌شود و قصد حمله به مکه را می‌کند تا جنبش و انقلاب امام(ع) را در آغاز ظهورش نابود کند. تا اینکه به میانه بیداء می‌رسد. بیداء منطقه‌ای میان مکه و مدینه، پس از پایان یافتن کوه‌ها و آغاز زمین هموار و صاف در مسیر مسافران مدینه به مکه است. بیداء در دوازده مایلی منطقه «ذات الجیش» است سپاه در شب به منطقه بیداء می‌رسد، و شب را همانجا می‌ماند. (شیبیه مهتابی، ۱۴ یا ۱۵ محرم) خداوند به جبرئیل دستور می‌دهد و جبرئیل فریادی غضب‌آلود در میان آنها سر می‌دهد و ندا سر می‌دهد: «ای بیداء، این قوم ستمگر را نابود کن». پس از آن، زمین، آنها و نیروهای مسلحشان را می‌بلعد و تنها دو مرد از آنها نجات می‌یابد (بشیر و نذیر). جبرئیل بر چهره آنها می‌زند و رویشان به پشت بازمی‌گردد و این مصداق آیه ۴۷ سوره نساء است.

بشیر به سوی قائم(ع) می‌رود و مزد به هلاکت رسیدن سپاه سفیانی و بلعیده شدنشان را در زمین به امام می‌دهد و به دست امام توبه می‌کند و دومی، (نذیر) نزد سفیانی در شام می‌رود تا به او هشدار دهد و او را از نابودی سپاهش آگاه سازد و فوراً می‌میرد.

هنگام حرکت امام از مکه به سوی مدینه منوره، سپاه امام از محل خسف می‌گذرد و امام محل خسف را به یاران خود اطلاع می‌دهد. این رویداد (خسف) از جمله امور حتمی به شمار می‌آید زیرا مکه مکرمه، حرم امنی است که پناهنده به آن نباید بهراسد همچنین امام مهدی(ع) فرمانده ذخیره شده برای آن روز موعود و برای هدایت جهان است و غیرممکن است کشته شود و باید او را حمایت کرد و ضرورت و مصلحت نبود ساختن این سپاه با یک معجزه الهی از اینجا نشأت می‌گیرد. مکه پس از این رویداد، منطقه امن می‌شود و هیچ‌یک از رهبران نظامی یا سیاسی جرئت حرکت به سمت آنجا برای جنگ با امام مهدی(ع) را نمی‌کنند و هر رهبر و فرمانده و ستمگری که از او خواسته می‌شود به مکه برود و بجنگد، و مهدی(ع) را نابود کند، باز می‌گردد و کناره‌گیری

برای حوادث در آینده است. جریان دوم: دشمنان امام به رهبری سفیانی، هم‌پیمان یهودیان و غرب که کینه شدیدی نسبت به اهل بیت(ع) و پیروانشان دارند. به همین دلیل، درمی‌یابیم پس از حوادث عراق (سقوط نظام صدام) یک هم‌پیمانی میان بعضی‌ها و تکفیری‌ها در منطقه، ضد شیعه وجود دارد و این خود شاهدی مبنی بر آغاز نشانه‌ها و آماده ساختن جو مناسب برای خروج سفیانی و پیدایش و رشد جریان او و روی دادن حوادث آینده، آن‌گونه که در روایات در مورد شام و عراق و حجاز آمده است.

از اینجا درمی‌یابیم که این منطقه، میدان جنگ‌های متعدد و مهمی است و حوادث کنونی و اتفاقاتی که در حال حاضر در حال روی دادن است، خود مقدمه‌ای برای عدم استقرار سیاسی است که در روایات آمده است.

از سوی دیگر برخی از مؤمنان و کسانی که حوادث پرونده هسته‌ای ایران را دنبال می‌کنند و نیروهای استکباری به مخالفت با آن می‌پردازند، اعتقاد دارند که این حوادث با جوی که در روایت امام باقر(ع) آمده، مرتبط است. ایشان فرموده‌اند: «گویی قومی را می‌بینم که از مشرق خروج کرده‌اند، خواهان حق می‌شوند اما حق به آنها داده نمی‌شود. پس بار دیگر آنها خواهان حق می‌شوند اما به آنها داده نمی‌شود. هنگامی که آنها این را می‌بینند، شمشیرهایشان را بر دوش می‌گذارند و آنچه که خواسته‌اند به آنها داده می‌شود و آنها نمی‌پذیرند تا آنکه قیام می‌کنند و آن را فقط به صاحب شما می‌دهند. کشته‌شدگان آنها، شهیدانند، اما اگر من آن زمان را درک می‌کردم، خود را برای صاحب این امر نگه می‌داشتم».

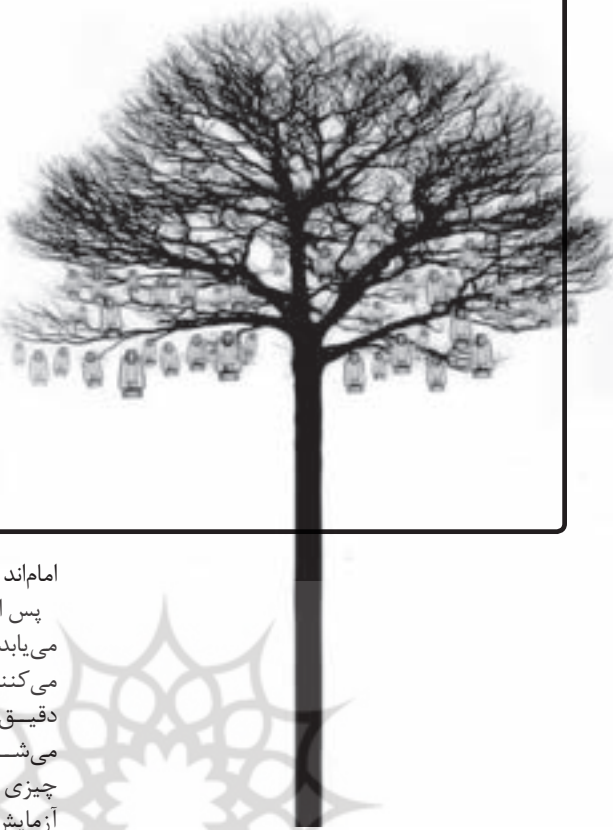
● یکی از نشانه‌های حتمی ظهور، خسف بیداء است، لطفاً کمی در این مورد و در مورد حمله سفیانی به مدینه منوره توضیح دهید، خسف بیداء در چه مکانی روی می‌دهد؟

○ در سال ظهور، شخصی بر منطقه شام حاکم می‌شود که سمبل و نماینده حاکمان منحرف مسلمان و دوستدار غرب و دشمن حق است. او آخرین از این نسل است. او سفیانی نام دارد. این شخص منحرف، نسبت به اهل بیت(ع) و پیروانشان کینه دارد، سفیانی دست به برخی اعمال مجرمانه و بسیار وحشیانه در جهان اسلام می‌زند. از جمله، عراق را به اشغال درمی‌آورد و به ایران حمله می‌کند. همچنین قصد حمله به سرزمین‌های مقدس در حجاز را می‌کند. هنگامی که خبر خروج امام در مکه و خبر ضعف حکومت حجاز و ناتوانی سیاسی و نظامی آن به گوش سفیانی می‌رسد، سپاهی بزرگ (خود در آن سپاه نیست) به مدینه منوره می‌فرستد تا آنجا را به اشغال درآورد. آن سپاه مدینه را ویران می‌کند و سه روز به غارت و چپاول آنجا می‌پردازد و سپاهیان او، به دستور خود او مرتکب کشتارها و جنایت‌های زیادی می‌شوند.

برخی از مؤمنان و کسانی که حوادث پرونده هسته‌ای ایران را دنبال می‌کنند و نیروهای استکباری به مخالفت با آن می‌پردازند، اعتقاد دارند که این حوادث با جوی که در روایت امام باقر(ع) آمده، مرتبط است. ایشان فرموده‌اند: گویی قومی را می‌بینم که از مشرق خروج کرده‌اند، خواهان حق می‌شوند



هفت نفر از علما از کشورهای
مختلف، پس از شنیدن ندا به
جستجوی امام می‌پردازند و
بدون اینکه با هم قراری داشته
باشند، در مکه به هم می‌رسند.
و هر یک از آنها از ۳۱۳ نفر در
شهر خود بیعت گرفته است. و
به مکه آمده تا خود به نیابت
از آن عده با امام بیعت کند. در
آن زمان، گروه‌های مؤمنان که
منتظر دیدار امام‌اند به سمت
مکه رهسپار می‌شوند.



امام‌اند به سمت مکه رهسپار می‌شوند.

پس از خروج سفیانی و ندای آسمانی، غیبت کبرا پایان می‌یابد و امام شروع به ارتباط با برخی مؤمنان مخلص می‌کند و طرح‌ها و برنامه‌های مستقیم و راهنمایی‌های دقیق و حکیمانه برای آغاز حرکت در روز موعود، آماده می‌شود. فرستاده شدن شخصی (نفس زکّیه) به مکه، چیزی جز یک حرکت هوشیارانه از جانب امام(ع) برای آزمایش مردم و گرفتن نبض آنها نیست تا میزان قدرت و حجم مخالفان خود را دریابند. پس از آن، یاران امام، جانب احتیاط را در نظر گرفته و با احتیاط بیشتر به جستجوی امام در مکه و مدینه می‌پردازند. در سایه شرایط امنیتی سخت و تروریستی، پیروان امام تصمیم به ملاقات با ایشان می‌گیرند و می‌دانند یا به گوششان می‌رسد که امام به زیارت اجدادش در مدینه منوره رفته و آنها هم برای دیدار امام به مدینه می‌روند. امام به مکه بازمی‌گردد و آنها به ایشان می‌پیوندند و پس از حادثه قتل نفس زکّیه در مکه (۲۵ ذی الحجه) امام با یارانش، به ویژه گروه ۳۱۳ نفری از مخلصان دیدار می‌کند و راه را برای ظهور و حرکت رویدادهای پس از آن هموار می‌سازد. ایشان پیوسته با یاران خود ملاقات می‌کنند و در روز شنبه، دهم محرم هنگام صبح؛ امام پایان غیبت کبرا و آغاز زمان ظهور را اعلام می‌کنند. ایشان نزدیک کعبه می‌ایستند، به رکن و مقام پشت می‌کنند و روبه‌روی مردم، نخستین سخنان خود را پس از ظهور به گوش مردم می‌رسانند. سخنان امام هنوز به پایان نرسیده که پلیس‌های حرم و تروریست‌ها قصد بازداشت و دستگیری ایشان را می‌کنند یا می‌خواهند همانند ۱۵ روز پیش عمل کرده و ایشان را نیز همچون نفس زکّیه در همان مکان به قتل برسانند. در این زمان ۳۱۳ یار امام پیش آمده، از ایشان دفاع کرده و با ایشان بیعت می‌کنند. پس از آن، امام با آنها در کوه صفا دیدار می‌کند و طرح‌ها

می‌کند و از ترس بلعیده شدن در زمین نمی‌پذیرد به آنجا برود. و این‌گونه حرم الهی امن باقی می‌ماند و کار امام(ع) سامان می‌یابد.

● **لطفاً کمی در مورد نقشه حرکت امام از مسجدالحرام، به ترتیب از آغاز ندای آسمانی تا خروج امام به سوی مدینه و مهم‌ترین حوادثی که در آن مرحله زمانی روی می‌دهد، صحبت کنید.**

○ **روز و زمان ظهور، زمانی بسیار دقیق و حکیمانه است و به همین دلیل، خود آن نیمی از نقشه به شمار می‌آید و از جمله اهمیت‌های آن، واجب ساختن انتظار او به مدت صدها سال است. عنصر «ناگهانی بودن روز ظهور» و زمان این واقعه شریف، تأثیر زیادی در پیروزی امام و موفقیت‌آمیز بودن آن دارد. هنگامی که دوستداران و پیروان اهل بیت(ع) ندای آسمانی را در ماه رمضان می‌شنوند، و آنها اساساً، حوادث را رصد و جزئیات آن را دنبال می‌کنند، پس در می‌یابند که آن زمان فرا رسیده و هنگام خروج نزدیک شده است. به همین دلیل، آن‌گونه که روایات می‌گویند، هفت نفر از علما از کشورهای مختلف، پس از شنیدن ندا به جستجوی امام می‌پردازند و بدون اینکه با هم قراری داشته باشند، در مکه به هم می‌رسند. و هر یک از آنها از ۳۱۳ نفر در شهر خود بیعت گرفته است. و به مکه آمده تا خود به نیابت از آن عده با امام بیعت کند. در آن زمان، گروه‌های مؤمنان که منتظر دیدار**

به دلیل وجود فراغ سیاسی و ضعف نظامی موجود در منطقه پس از حادثهٔ خسف بیداء است.

● **انتظار چه جایگاهی میان ساکنان شبه جزیرهٔ عربستان، به ویژه شیعیان آنجا دارد؟ آنها چه احساسی نسبت به امام (عج) دارند؟ فرهنگ انتظار و مهدویت در شبه جزیره چگونه است؟**

○ انتظار مثبت امام، باعث دمیدن روح امید و خوش بینی در دل‌ها می‌شود و در انسان آمادگی روانی برای دیدار با امام و تحمل سختی‌ها در راه ایشان را ایجاد می‌کند. به همین دلیل، شیعیان شبه جزیرهٔ عربستان در حال حاضر، (اسماعیلی، زیدی و دوازده امامی) به ویژه شیعیان دوازده امامی، تلخی‌ها و ستم‌های زیادی را متحمل می‌شوند و چیزی که باعث می‌شود آنها این حوادث ناگوار را تحمل کنند، درک حقیقت واقعی آینده و نزدیکی فرج در آیندهٔ نزدیک است. اینگونه است که ایمان به مسئلهٔ مهدویت در آنها روز به روز بیشتر می‌شود و در نتیجه فرهنگ مهدویت نیز در میان طیف‌های مختلف جامعهٔ شیعی در حال گسترش است. فرهنگ اینها، به خاطر اصالت و خالی بودن از شک و شبهه‌های سخت، از دیگر فرهنگ‌ها متمایز است. تمام هم و غم شیعیان در حال حاضر، حفظ ایمان و باور و عقیدهٔ خود، چنگ زدن به دامان اهل بیت(ع) و مقابله با تلاش‌های دشمنان برای از بین بردن این باور و ایمان در دل ایشان است. به دلیل آگاهی و بیداری فرهنگی اصیل و منبع فکری اصیل، و تلاش مؤمنان، هیچ شیعه‌ای را در این منطقه نمی‌بینیم که دست از اعتقادات و باورهای خود شسته باشد در حالی که عکس آن در حال روی دادن است. اینها همه با وجود این است که دشمنان، حملات پیاپی و گسترده‌ای را در تمام زمینه‌ها ضد شیعیان انجام می‌دهند. از سوی دیگر، مشاهده می‌کنیم که با بالا رفتن سطح آگاهی فرهنگی افراد، جامعهٔ شیعی (دوازده امامی) در این منطقه، حس مراقبت و دنبال کردن حوادث را در آنها بیدار می‌کند. آنها نشانه‌های ظهور را می‌شناسند و این نشانه‌ها به آنها در مورد پرچم‌های حق و هدایت آگاهی می‌دهد و با آن، پرچم‌های انحراف و گمراهی در دوران فتنه و در زمان انتظار را باز می‌شناسند و مشاهده کردیم که هیچ یک از شیعیان منطقه، با جهیمان (از مدعیان مهدویت در مکه، ۱۴۰۰ ق.) دست بیعت نداد و او را نپذیرفت؛ زیرا شیعیان حقایق امور را می‌شناسند و از حوادث آینده آگاه‌اند و در دام حوادث و عوامل انحرافی اسیر نمی‌شوند. علاوه بر این، آنها با رصد حوادث جاری در منطقه، روح امید را در خود زنده نگه می‌دارند، زیرا می‌دانند آینده در انتظار آنان است و از سوی دیگر، شیعیان از پرچم‌های گمراهی و انحراف عقیدتی پیش از ظهور، دوری می‌کنند و از سوی دیگر آنها منتظر رسیدن مژدهٔ فرج و پرچم‌های حق و هدایت هستند و این‌گونه، اهداف فرهنگ مهدویت به همراه ابعاد تربیتی آن در آنها تجسم می‌یابد.

● **با تشکر از شما که در این مصاحبه شرکت کردید.**

پی‌نوشت:

۱. بشارهٔ اسلام، ص ۲۱۰.

و برنامه‌های کلی خود را اعلام کرده و نیز شرط‌های خاص فرماندهانش را به آنها گوشزد می‌کند. پس از آن، آزادسازی حرم مکه از چنگال ستمگران آغاز می‌شود. امام به ایفای نقش رهبری می‌پردازند و به طور کامل راهنمایی‌هایی لازم در آن شرایط حساس را به یاران خود گوشزد می‌کنند و برای تسلط بر مکه برنامه‌ریزی کرده و نقشه می‌ریزند. ایشان کار را با آزادسازی مؤمنان از زندان شروع می‌کنند و در مکه می‌مانند تا هستهٔ سپاهشان تشکیل شود (۱۰ هزار نفر). در این میان امام خطبه‌ها و سخنانی خطاب به مردم جهان ایراد می‌کنند و سخنان امام از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای به صورت مستقیم پخش و ترجمه شده و در تمام جهان پخش می‌شود. امام همچنان در مکه هستند تا آنکه معجزهٔ خسف بیداء که جدش رسول خدا (ص) بشارت آن را داده است، روی می‌دهد. در این میان امام دست به انجام چند کار در مکه می‌زند و شروع به تشکیل دادن هستهٔ سپاهش می‌کند. امام از جانب خود یک والی برای مکه انتخاب می‌کند و با سپاه چند هزار نفری خود به سوی مدینهٔ منوره رهسپار می‌شود. سپاه امام از محل روی دادن خسف بیداء می‌گذرد و امام محل خسف را به اطلاع سپاه خود می‌رساند و ایشان به مدینهٔ منوره می‌رسند. ایشان در آغاز ورود به مدینه، بدون بروز هیچ‌گونه اعتراض یا رویارویی از طرف اهل مدینه، ترمیم و تعمیر مسجد پیامبر(ص) را که توسط سفیانی ویران شده، آغاز می‌کند. در آن میان، به گوش امام می‌رسد آن والی که ایشان برای مکه برگزیده و منصوب کرده بود، به قتل رسیده است. امام به مکه می‌رود و قاتل را می‌کشد و والی دیگری برای مکه تعیین می‌کند. ایشان دوباره به مدینه باز می‌گردند و دست به یک کار استراتژیک و مهم می‌زند و این برای تمام مسلمانان در جهان اسلام مهم است. ایشان خانهٔ پیامبر و روضهٔ شریفه را بازسازی می‌کنند. هدف ایشان از این کار، روشن ساختن حقایق جهان اسلام با وجود تلاش دشمنان و مخالفان برای از بین بردن آن در طول تاریخ است.

پس از آن در مدینه کم کم یک گروه مخالف از اهالی آن به وجود می‌آید اما تلاش آنها با شکست مواجه می‌شود و نمی‌توانند آسیبی به امام برسانند. پس از آن، امام یک والی از جانب خود برای مدینه تعیین می‌کنند و با سپاهشان به سوی عراق رهسپار می‌شوند. به محض اینکه امام و سپاهش از مدینه خارج می‌شوند؛ می‌شنوند که والی ایشان در مدینه به قتل رسیده است امام به مدینه باز می‌گردد و یک جنگ کوچک با مخالفان خواهد داشت و شمار کشتگان آن از میان دشمنان، آنگونه که در روایات آمده، بیشتر از شهیدان «جنگ فح» است. پس از آن مخالفان و دشمنان نقش قابل توجهی در مدینه ندارند. با آزادسازی مدینهٔ منوره و تسلط بر آن و تسلط بر مکه، امام به آسانی بر منطقهٔ حجاز تسلط می‌یابند و این

شیعیان شبه جزیرهٔ عربستان در حال حاضر، (اسماعیلی، زیدی و دوازده امامی) به ویژه شیعیان دوازده امامی، تلخی‌ها و ستم‌های زیادی را متحمل می‌شوند و چیزی که باعث می‌شود آنها این حوادث ناگوار را تحمل کنند، درک حقیقت واقعی آینده و نزدیکی فرج در آیندهٔ نزدیک است